

شماره جلسه: ۱۶۷ درس خارج فقه آیه الله نجفی رحمته الله علیه تاریخ: ۱۴۰۴/۰۲/۲۱ یکشنبه

مقرر: مصطفی اله دادی

موضوع عام: مسائل مستحدثه موضوع خاص: بورس و اوراق بهادار موضوع اخص: (۲۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فروش سهام به صورت مالکیت موقت

یکی از معانی فروش سهام کوتاه مدت در فصل گذشته بررسی شد و معلوم شد که آن اشکالی ندارد و جایز است. معنای دیگری هم از فروش کوتاه مدت وجود دارد که عبارت از فروش سهام به صورت مالکیت موقت است. برای نمونه یک شرکت دارایی خود را برای مدت زمان خاصی از طریق اوراق سهام در بازار بورس در معرض فروش قرار دهد به گونه‌ای که با سپری شدن آن مدت مذکور دیگر خریدار مالک نبوده و سهام به فروشنده باز گردد. باید گفت: این معامله چیزی شبیه عقد موقت نکاح است که با گذشت مدتش بینونت قهری بین زن و مرد حاصل می‌شود. مثلاً یک فروشنده سهام شرکت، آنرا به مدت دو سال به ملک خریدار در می‌آورد ولی مالکیت او پس از سپری شدن مدتش پایان می‌پذیرد و به فروشنده قبلی سهام باز می‌گردد. اگر فروش سهام بدون آنکه مقید به زمان معینی شود صورت گیرد ولی در ضمن معامله شرط شود که فروشنده وکیل در بازخرید سهام در زمان معین - هرچند به قیمت روز - باشد دیگر نیازی به اجازه از خریدار ندارد و بیع صحیح است.

حال سؤال آنست که آیا بیع موقت صحیح است؟ برخی فرموده‌اند: چیزی به نام خرید و فروش موقت و زمان‌دار نداریم، لذا چنین بیعی را باطل می‌دانند. به عبارت دیگر اگر فروشنده کالای خود را به نحو موقت بفروشد به صورتی که پس از سپری شدن این زمان دیگر خریدار مالکش نباشد، بیعی باطل انجام شده است. بله؛ اگر فروشنده کالایی را بدون تقیید به زمان معین بفروشد و در

ضمن معامله شرط کند که او حق فسخ معامله را تا زمان معینی دارد و این شرط هم مورد پذیرش طرفین قرار گیرد، اشکالی ندارد؛ چرا که فروشنده در ضمن بیع برای خود خیار فسخ جعل کرده است و نافذ می‌باشد. اگر فروشنده در ضمن عقد بیع وکالت در بازخرید کالا در زمان معین بگیرد اشکالی ندارد. ناگفته نماند که این وکالت یک حق را ایجاد می‌کند که لازم الاستیفاء نیست. مسئله دیگر آنست که اگر اماکن تجاری یا مسکونی یا تفریحی و مانند آن - حتی کارخانجات - برای یک فصل معین از سال فروخته شوند به گونه‌ای که در فصول دیگر در ملک خریدار نباشد بلکه به ملک فروشنده بازگردد - چنانچه در بازار امروز متداول است - آیا جایز می‌باشد؟ برخی گفته‌اند: این معامله نوعی فروش بیع زمانی و موقت محسوب می‌شود و باطل است. چون هیچگاه بیع مقید به زمان نمی‌شود و تا وقتی که مالی به وسیله یکی از نواقل اختیاری - مثل بیع، هبه، صلح و... - یا نواقل غیر اختیاری - مثل ارث - به دیگری منتقل نشود در ملک مالکش باقی می‌ماند.

باید گفت: راهکار تصحیح این بیع آن است که مال را به نحو مشاع به افراد بفروشد و در ضمن معامله شرط کند که هر کدام از خریداران به نحو معین و مشخص یا در زمان خاص حق استفاده از مال را داشته باشند. برای نمونه یک خانه را به نحو مشاع به چند خریدار بفروشد به شرطی که در هر زمان معین یکی از آنها از خانه استفاده کنند. راهکار دیگر آن است که در ضمن عقد بیع شرط شود که خریداران خودشان زمان استفاده از ملک را مصالحه کنند. برای نمونه یک خانه را به نحو مشاع به چهار نفر بفروشد و شرط کند که آنها زمان استفاده از خانه را بین یکدیگر مصالحه کنند.

بنابراین همان گونه که مکان در بیع قابلیت اشاعه دارد، زمان هم قابلیت اشاعه دارد. برای نمونه کسی می‌تواند خانه خود را در برای تابستان‌ها به دیگری بفروشد به گونه‌ای که خودش در تابستان مالک آن نباشد ولی در فصول دیگر سال مالک آن باشد. دلیل بر صحت این مطلب - اشاعه زمانی در بیع - عبارت از اطلاق آیه ﴿أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ﴾ است که آنرا در بر می‌گیرد.

به عبارت دیگر دلیلی بر عدم اشاعه زمانی در بیع وارد نشده و در نصوص نیامده که بیع قابلیت

اشاعه به زمان ندارد. شارع از بیع زمانی نهی نکرده است. بله؛ چنین معامله‌ای در زمان شارع متداول نبوده است ولی الان این بیع متداول است و در بازار انجام می‌شود و چه بسا جزو مسائل مستحدثه است. لذا می‌توان آنرا بر اساس اطلاق آیه مذکور جایز شمرد. بنابراین نظر ما در این مسئله برخلاف نظر مشهور فقها می‌باشد.